

Stop Saying "Very Bad": Awful, Dreadful or Appalling?

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

awful

افتضاح · بسیار بد

DEF

Extremely bad or unpleasant.

The broadest of the three core alternatives; natural in many everyday contexts.

FA

خیلی بد یا ناخوشایند.

گسترده ترین گزینه های اصلی؛ طبیعی در بسیاری از زمینه های روزمره.

The traffic was awful this morning.

ترافیک امروز صبح وحشتناک بود.

We had awful service at the restaurant.

خدمات وحشتناکی در رستوران داشتیم.

2

dreadful

وحشتناک

DEF

Extremely bad, unpleasant or difficult to endure.

Often sounds slightly more emphatic or traditionally British than awful.

FA

بسیار بد، ناخوشایند یا دشوار برای تحمل.

اغلب به نظر می رسد کمی بیشتر انگلیسی یا به طور سنتی انگلیسی بیش از وحشتناک است.

The weather was dreadful all weekend.

آب و هوا در تمام آخر هفته وحشتناک بود.

I made a dreadful mistake in the report.

اشتباه وحشتناکی در این گزارش مرتکب شدم.

3

appalling

تکان دهنده · اسفناک

DEF

Shockingly bad, especially because it causes moral disapproval or strong criticism.

Use it when bad is not strong enough because the situation is unacceptable.

FA

به شدت بد است، به ویژه به این دلیل که باعث انتقاد اخلاقی یا قوی می شود.

استفاده از آن زمانی که بد به اندازه کافی قوی نیست زیرا وضعیت غیر قابل قبول است.

The working conditions were appalling.

شرایط کاری وحشتناک بود.

There was an appalling lack of communication.

فقدان ارتباطات وحشتناک وجود داشت.



4

unpleasant

ناخوشایند

DEF

Not enjoyable, comfortable or agreeable.

More restrained than awful; useful when you want to sound measured.

FA

لذت بخش، راحت یا قابل قبول نیست.

بیشتر از بد است؛ مفید است زمانی که می خواهید اندازه گیری کنید.

The conversation became unpleasant.

مکالمه ناخوشایند شد.

We had an unpleasant journey home.

ما یک سفر ناخوشایند داشتیم.

5

difficult to endure

سخت برای تحمل

DEF

So unpleasant or painful that it is hard to continue experiencing it.

A reusable descriptive phrase for noise, pain, weather or a stressful situation.

FA

بسیار ناخوشایند یا دردناک است که ادامه تجربه آن دشوار است.

یک عبارت توصیفی قابل استفاده مجدد برای سر و صدا، درد، آب و هوا یا یک وضعیت استرس زا.

The heat became difficult to endure.

گرما سخت شد تا تحمل شود.

The constant noise was difficult to endure.

سر و صدای ثابت سخت بود.

6

moral disapproval

ناپسندی اخلاقی

DEF

A negative judgement based on what you believe is right or acceptable.

This explains why appalling is stronger than a simple description of poor quality.

FA

قضایات منفی بر اساس آنچه شما باور دارید درست یا قابل قبول است.

این توضیح می دهد که چرا وحشتناک قوی تر از توصیف ساده کیفیت ضعیف است.

Her reaction expressed clear moral disapproval.

واکنش او حاکی از عدم رضایت اخلاقی آشکار است.

The report caused widespread moral disapproval.

این گزارش باعث نارضایتی گسترده اخلاقی شد.

7

a strong negative reaction

واکنش منفی شدید

DEF

An intense response of dislike, shock or criticism.

A useful collocation for explaining how powerful language affects a listener.

FA

واکنش شدید به نفرت، شوک یا انتقاد

یک پیوند مفید برای توضیح اینکه چگونه زبان قدرتمند بر یک شنونده تاثیر می گذارد.

The decision caused a strong negative reaction.

این تصمیم باعث ایجاد یک واکنش منفی قوی شد.

Appalling communicates a strong negative reaction.

سخنرانی یک واکنش منفی قوی را بیان می کند.



8

an appalling lack of something

کمبود تکان دهنده چیزی

DEF

A shockingly serious absence or shortage of something important.

A high-value collocation used for communication, care, judgement, evidence and planning.

FA

عدم جدی یا کمبود چیزی مهم

یک اتصال با ارزش بالا برای ارتباطات، مراقبت، قضاوت، شواهد و برنامه ریزی استفاده می شود.

There was an appalling lack of preparation.

عدم آمادگی وحشتناک وجود داشت.

The case revealed an appalling lack of care.

این پرونده فقدان مراقبت را آشکار کرد.

